

جستاری در مفهوم‌شناسی و گستره اخلاص در قرآن

سید حسن بطحایی گلپایگانی*

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، ورامین

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۶ تاریخ تصویب: ۹۲/۳/۱۰)

چکیده

دعوت به خداپرستی و اخلاص در بندگی سرلوحه دعوت همه انبیاء الهی بوده است. دستور بندگی خالص در قرآن علاوه بر واژه اخلاص و مشتقات آن با کلمات و عبارات‌های متنوع دیگری آمده است؛ مانند: «يُرِيدُونَ وَجْهَهُ»، «أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ»، «نَصَحُوا لِلَّهِ»، «إِيتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»، «إِيتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ»، «وَقُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ»، «خَنِيفَ»، «تَبَتَّلْ إِلَيْهِ». ضد اخلاص در اعتقاد و عبادت، شرک و بت‌پرستی و مقابل اخلاص در طاعت ریا است که در روایات از آن به «شرک خفی» و «شرک اصغر» تعبیر شده است. اگرچه گستره اخلاص در قرآن شامل تمام باورهای اعتقادی، اعمال عبادی و صفات پسندیده اخلاقی می‌شود، ولی آنچه در این تحقیق بررسی می‌شود، مباحثی است که با توجه به تصریح آیات قرآن و دیدگاه مفسران عامه و خاصه آمده است که شامل اخلاص در اعتقاد، در برابر شرک و بت‌پرستی، اخلاص در اعمال عبادی مانند نماز و زکات، حج، خمس، زکات، مناسک حج و عمره و جهاد، همچنین درباره برخی از فضائل اخلاق ایمانی مانند اخلاص در انفاق، اطعام، گواهی دادن، نجوا در اصلاح بین مردم، صدقه و هر کار پسندیده، بیعت با پیامبر اکرم (ص) و هجرت و یاری کردن اسلام است. این بحث‌ها با محوریت آیات و دیدگاه مشهور مفسران شیعه و اهل سنت و منابع اخلاقی و لغوی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن، اخلاص، مخلصین، ریا، شرک.

*. E-mail dr.bathai@gmail

مقدمه

از مباحث قرآنی در ارتباط با «عقیده»، «عبادت» و «اخلاق» اخلاص است. درباره اخلاص و صدق نیت مباحث بسیار گسترده‌ای در قرآن و متون دینی آمده است، ولی آنچه در این پژوهش بحث و ارزیابی می‌شود، پاسخ به پرسش‌های زیر است؛ مانند: اخلاص در اعتقاد و اعمال عبادی از دیدگاه وحی چه جایگاهی دارد؟ آیا اخلاص در عبادت با وجود شرک خفی سعادت‌آفرین است؟ آیا بندگی با انگیزه بهشت‌خواهی و نجات از دوزخ با خلوص نیت بندگی قابل جمع است؟ گستره اخلاص در قرآن در چه مواردی است؟ آیا علاوه بر امور اعتقادی و عبادی مانند نماز، زکات و حج شامل فضایل اخلاقی و رفتار اجتماعی هم می‌شود؟ با جستجوی فراگیری که در قرآن درباره واژه اخلاص و عبارت‌های هم‌معنای آن شده است و بررسی در منابع تفسیری پاسخ به این پرسش‌ها با محوریت آیات و دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت و منابع معتبر تفسیری و لغوی مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌گیرد.

جایگاه اخلاص در قرآن

دعوت به یگانه‌پرستی و اخلاص در عبادت رسالت تمام پیامبران الهی بوده است. قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ: ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید» (نحل/۳۶). «طاغوت به معنای تجاوز از حد است و در آیه [مذکور] عبارت از هر متجاوز و هر معبودی غیر از خداست» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۲۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۱۵). بُت‌پرستی یکی از مصادیق طاغوت است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۷۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۳۷۹ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۲۴۲). قرآن کریم جوهره رسالت پیامبران الهی را دعوت به اخلاص در بندگی خدا ذکر کرده است و چگونگی دعوت برخی از آنها را ذکر کرده است. از جمله آنها حضرت نوح (أعراف/۵۹ و نوح/۳) و صالح (أعراف/۶۵) شعیب (أعراف/۸۵)، ابراهیم (عنکبوت/۱۶)، حضرت عیسی (ع) خطاب به بنی‌اسرائیل (مائده/۷۲) و رسول اکرم (ص) (بقره/۲۱ و نساء/۳۶) است که قوم خویش را به بندگی خدا و بیزاری از شرک دعوت کرده‌اند.

مفهوم‌شناسی

«اخلاص» در لغت از ماده «خلص» به معنای «پیراستگی از شوب و آمیزه‌ها» است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۸۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۲۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۶۹؛ مصطفوی، ۱۳۰، ج ۳: ۱۰۰ و طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۱۹). همان‌گونه که می‌فرماید: «مَنْ بَيْنَ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبِنًا خَالِصًا» (نحل/۶۶). واژه «خالص» به معنای «صافی» است، با این تفاوت که خالص آن است که آمیختگی و شوب آن از بین رفته، بعد از آن که داشته است، در حالی که صافی از ابتدا آمیختگی نداشته است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۹۲). «اخلاص» در اصطلاح قرآنی به معنای «اعتقاد به یگانگی خدا و تبری و بیزاری از هر چیز غیر خدایی» است. از این رو، به سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سوره اخلاص گفته‌اند (ر.ک؛ همان: ۲۹۲ و فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۸۷). برخی نیز گفته‌اند «اخلاص» قصد قربت در نیت که

همان انجام طاعت خالص برای خداست، به گونه‌ای قصد از هر شائبه غیر خدایی پاک باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۶۹). گاهی «اخلاص» نسبت به دین سنجیده می‌شود؛ یعنی ایمان به یگانگی خدا در ذات و صفات و افعال است و ضد آن اشراک در الوهیت است. اخلاص دین آن است که دین خدا از تثلیث و شرک و تشبیه و هر امر غیر خدایی پاک باشد که همان توحید است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۹۲) و گاهی اخلاص با عمل سنجیده می‌شود که ضد آن «ریا» در اعمال و عبادات است. شرک به معنای مخلوط شدن اعتقاد حق با غیر خود است. کسی که مخلص نیست، مشرک است، با این تفاوت که برای شرک درجاتی است. بعضی از مراتب شرک خفی و بعضی دیگر جلی است (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۱۲۸). بُت‌پرستی شرک جلی و اقسام دیگر شرک، همه شرک خفی می‌باشد (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا: ۶۵).

اخلاص در برابر خدا، خلوص نیت و توجه به خدا و بریدن از هر چه غیر خداست (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۱۰۲). «مُخْلِص» بنده‌ای است که خدا او را برای خود برگزیده است و ذات او را از غیر خودش پاک گردانیده است، به گونه‌ای که شیطان هرگز توانایی چیره شدن بر او ندارد (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۸۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۹۳ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۲۶). خداوند در قرآن از پیامبران به‌عنوان «مُخْلِصین» یاد فرموده است (ص/ ۴۶ و ۴۷؛ مریم/ ۸۳؛ یوسف/ ۵۱؛ صافات/ ۲۴، ۷۴ و ۱۲۸، ۱۶۰ و ۱۶۹).

ضد اخلاص ریا و سُمعه است. «ریا» مشتق از «رؤیت» به معنای «دیدن» است و در اصطلاح به معنای «طلب منزلت و مقام در قلوب مردم با ارائه اعمال نیک» است. به تعبیر خواجه نصیر طوسی «ریا آن بُود که غرض دیگر با آن درآمیزد؛ مانند حُب جاه و مال یا طلب نیکنامی یا طمع ثواب آخرت» (طوسی، بی‌تا: ۵۰). «سُمعه» از ریشه «سمع» نیز به معنای «رساندن عمل به گوش دیگران به انگیزه طلب منزلت در دل مردم» است (ر.ک؛ غزالی، بی‌تا، الف، ج ۳: ۳۱۴؛ همان، بی‌تا، ب: ۱۰۱؛ شبر، ۱۳۷۷: ۱۵۷ و امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱: ۵۸). واژه سُمعه در قرآن استعمال نشده، ولی غالباً در روایات بعد از کلمه ریا آمده است. امام رضا (ع) فرمودند: «اعْمَلُوا لِغَيْرِ رِيَاءٍ وَ لَا سُمْعَةٍ فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَيَّ مَا عَمِلَ: بدون ریا کار و عمل کنید، چون کسی که کاری را برای غیر خدا انجام دهد، خداوند او را بدانچه که کرده، وانهد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۹۴). از امام باقر (ع) روایت شده است که ولیمه روز اول و دوم پسندیده و روز سوم ریا و سُمعه است (ر.ک؛ همان، ج ۵: ۳۶۸).

واژه «شوب» به معنای «خلط و آمیختگی» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۱۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۲۹۱ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۹۲). این واژه در حدیث جُنود عقل و جهل به معنای «ریا» استعمال شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۰). در روایات از ریا به شرک خفی و شرک اصغر و از شریک قرار دادن خدا و بُت‌پرستی به شرک جلی تعبیر شده است (طوسی، بی‌تا: ۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۴۸، ج ۱۶: ۲۵۷ و ج ۶۹: ۲۶۹ و محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۰۶). برخی علمای اخلاق شائبه‌ها و عواملی که اخلاص را از بین می‌برد، به چهار قِسم یعنی رِیای جلی و خفی و أَجَلّی و أَخَفّی تقسیم کرده‌اند (ر.ک؛ غزالی، الف، بی‌تا، ج ۴: ۴۰۳ و شبر، ۱۳۷۷: ۱۶۰).

واژه‌های مترادف «اخلاص»

کلمات و عبارت‌های دیگر در قرآن به کار رفته که مفهوم اخلاص از آنها استفاده می‌شود؛ از جمله آیه «وَيُرِيدُونَ وَجْهَهُ» است (انعام/۵۲ و کهف/۲۸)، وجه به معنای ذات، چهره و جارحه است و در این آیه به معنای رضا و روی آوردن و توجه به خدا با اعمال صالح است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۵۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۳۶۵ و فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۸۵۶). علامه طباطبائی می‌نویسد: «وجه خدا همان صفات فعلیه خدا مانند رحمت و رازقیت خدا است که مبدأ خیر بر بندگان است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۲۸). مفسران این واژه را به معنای انجام عمل و عبادت خالص برای جلب رضا و ثواب و رحمت الهی تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۴۷۴، ج ۶: ۷۱۸ و ج ۱۰: ۶۱۷ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۲۳) و «وجه الله» در آیه «یُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ» (روم/۳۸) نیز به معنای نیت بندگی خالصانه برای خدا است (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۷۹ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۱۳۴) و آیه «أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ» (نساء/۱۲۵) را مفسران و اهل لغت به معنای اخلاص عمل برای خشنودی خدا تفسیر کرده‌اند؛ یعنی «أَخْلَصَ نَفْسَهُ لِلَّهِ وَ جَعَلَهَا سَالِمَةً لَهُ لَا تَعْرِفُ لَهَا رَبًّا وَلَا مَعْبُوداً سِوَاهُ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۵۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۷۸ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۰۳). همچنین «نصح» در قرآن به معنای اخلاص آمده است و می‌فرماید: «وَلَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرْجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ» (توبه/۹۱). «نصح» در اصل به معنای «خلوص» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۰۸ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۱۶) و «عسل نصح» به معنای عسلی است که خالص از موم باشد. «نصیحت برای خدا» به معنای خالص بودن عبادت از غش و ریا برای خداست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۹۳ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۳۶۲؛ کاشانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۵۰۱ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۶۷) و در همین معنا واژه «نصوح» است که در وصف توبه آمده است: «تَوْبَةً نَصُوحًا» (تحریم/۸)؛ یعنی توبه‌ای که خالص برای خدا باشد. برخی از مفسرین نیز نصوح را به معنای ایمان به خدا و رسول و پیروی از آنها تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۰۱). «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره/۲۶۵) نیز به معنای تبری عمل از ریا و سُمعه و عجب و انجام کار و بندگی، خالص برای خشنودی خداست (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۹۶). «ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ» (بقره/۲۷۲) «ابتغاء» اجتهاد در طلب است و وقتی طلب چیزی پسندیده باشد، اجتهاد در آن پسندیده نیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۳۷ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۰۹). از این رو، مفسران «ابتغاء وجه الله» را به معنای انجام عمل خالص برای خشنودی خدا که سبب بقای عمل می‌شود، تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ۳۴۴ و شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۱۵). «وَقُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ» (توبه/۹۹) به معنای عملی است که سبب نزدیکی به خدا می‌شود که ملازم خلوص نیت برای خداست (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۶۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۳۷۱). «حنیف» هم در وصف دین ابراهیم آمده، به معنای اخلاص است؛ چنان که می‌فرماید: «دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام/۱۶۱). «حنیف» در اصل به معنای تمایل از باطل به حق و از گمراهی به هدایت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۶۰). از این رو، معتقد به دین حنیف مسلمان است که از گمراهی روی گردانیده، به راه حق متمایل است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۴۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۶۰). برخی از مفسرین «حنیف» را به معنای خالص

اخذ کرده‌اند. از این رو، دین حنیف دینی است که دارای اخلاص در عبادت است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۰۵) و از امام صادق (ع) روایت شده است که دین حنیف دین خالص و مخلصی است که در آن اثری از عبادت بُت‌ها نیست (بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۲: ۵۰۷). علامه مجلسی بر این باور است که چون دین حنیف در این آیه در مقابل مشرک آمده، فهمیده می‌شود که حنیف دین خالص و مخلصی است که از شرک جلی و خفی خالص است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق.، ج ۷: ۷۴). (تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِلًا) (مزمّل/۸). «تَبَتَّلْ» در لغت به معنای انقطاع و جدایی چیزی از چیزی است و تَبَتَّلْ به سوی خدا، بریدن از غیر و پیوستن به خدا در عبادت و اخلاص نیت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.، ج ۱: ۱۰۷ و فراهیدی، ۱۴۱۰ق.، ج ۸: ۱۲۴). مفسران نیز تَبَتَّلْ به سوی خدا را عبادت برای خدا و اخلاص در بندگی تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۳۸۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۶: ۲۷۸ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۵: ۱۹۴).

اخلاص و ریا از منظر عالمان اخلاق

عالمان اخلاق به تبع آیات و روایات با اندکی تفاوت، اخلاص را در معنای لغوی آن به کار برده‌اند. غزالی می‌نویسد: «فعل خالص شده را اخلاص می‌گویند» (غزالی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۵۳ و ۴۵۴؛ همان، بی‌تا، ج ۴: ۴۰۰ و همان، بی‌تا: ۱۳۶). از دیدگاه عالمان اخلاق، اخلاص صفت نیت است و آنچه انسان را برمی‌انگیزد که کاری را انجام دهد، نیت است که گاه به غرض و قصد تعبیر می‌کنند. اگر غرض یک چیز باشد، خالص است و اگر بیش از یک چیز باشد، ناخالص است (ر.ک؛ غزالی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۵۳ و ۴۵۴؛ نراقی، ۱۹۸۸م.، ج ۳: ۱۰۹ و فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق.، ج ۸: ۱۲۸). غزالی برای اخلاص سه رُکن ذکر کرده که اصل آن نیت و حقیقت آن نفی شُوب از نیت و کمال آن را صدق دانسته است (غزالی، بی‌تا: ۱۴۰). وی اخلاص را به اخلاص در عمل و اخلاص طلبِ اجر تقسیم کرده است و می‌نویسد: «اخلاص عمل، ارادهٔ تقرّب و نزدیکی به خدا و تعظیم و اجابت دعوت خداست و باعث آن اعتقاد صحیح است و ضدّ آن نفاق است که طلب نزدیکی به غیر خداست و اما اخلاص طلب اجر و ارادهٔ نفع آخرت به عمل خیر است و ضدّ آن «ریاء» است» (غزالی، مجموعهٔ رسائل امام غزالی: ۱۳۱). محقق طوسی می‌گوید: «اخلاص ویژه کردن است» (طوسی، بی‌تا: ۶۵)؛ یعنی انسان قلب خود را مخصوص حق کند تا کسی جز مقلب‌القلوب در حرم دل راه پیدا نکند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۵۳).

ملاً احمد نراقی اخلاص را ضدّ ریا دانسته است و می‌نویسد: «اخلاص به معنای خالص ساختن قصد از غیر خدا و پرداختن نیت از ماسوی الله است و هر عبادتی که قصد در آن به این حدّ نباشد، از اخلاص عاری است» (نراقی، ۱۳۸۳: ۴۸۶) شبر می‌نویسد: «اخلاص خالی کردن نیت از شائبه‌ها و مفاسد است» (شبر، ۱۳۷۷: ۱۷). وی ضمن تعریف ریا و سمعه برای ریا در طاعات اقسامی ذکر کرده، از جمله ریا در اصل عبادات و ریا در اوصاف عبادات (همان: ۱۵۸).

صوفیه و عرفا نیز تعریف‌هایی برای اخلاص ذکر کرده‌اند؛ از جمله «طاعت از بهر خدای کند و هیچ چیز دیگر به آن آمیخته نباشد. خلوص عمل از عیب و ذم، چنانچه شیر ممیز است از میان سرگین و خون یا این که: اخلاص آن باشد

که فرشته را به نبشتن راه نَبُود و شیطان را به تباه کردنش، آدمی بر او مطلع نباشد و جز خدای عز و جل کسی نداند. یا اینکه پوشیده باشد از خلاق و پاک باشد از علایق و یا مبرا بودن عمل از هر شوب و ناخالصی» (قشیری، رساله قشیری: ۳۲۳؛ انصاری، ۱۳۶۱: ۱۵۴ و تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۱۲۳). هر یک از این تعاریف اشاره به لوازم اخلاص یا مراتبی از اخلاص در عمل است.

نقش اخلاص در پذیرش عبادت

اخلاص سببی از اسرار الهی است که در دل بندگان محبوب خدا جای می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷: ۲۴۹). از دیدگاه قرآن غرض از آفرینش جن و انس بندگی خدا برای رسیدن به رحمت واسعة الهی در آخرت است (ذاریات/۵۶ و هود/۱۱۹). در آیات قرآن تصریح شده است که رسالت پیامبران دعوت مردم به عبادت خدا با نیت خالص بوده است (مائده/۷۲؛ اعراف/۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵؛ هود/۵۰، ۶۱، ۸۴؛ نحل/۳۶؛ حج/۷۷؛ مؤمنون/۲۳، ۳۲؛ عنکبوت/۱۶ و ۳۶؛ نوح/۳؛ انعام/۱۶۳ و بینه/۵). از دیدگاه وحی، ارزش عمل به زیادی آن نیست، بلکه به حسن فاعلی و انگیزه خالص بودن آن برای خداست (ملک/۲)، همان‌گونه که مفسران نیز به آن تصریح کرده‌اند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۵۸۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۸۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۱۲۸ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۳۴۹). از این رو، اخلاص شرط قبولی عمل نزد خداست و اگر عبادتی خالص برای خشنودی خدا نباشد، نه تنها پذیرفته نمی‌شود، بلکه موجب کیفر و خذلان هم در قیامت می‌شود. بر اساس روایات هم ارزش عمل به نیت است و جزای عمل به اندازه نیت عمل است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷: ۲۴۹)، به گونه‌ای که از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که نیت مؤمن از عمل او بهتر است: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۸۴). امام صادق (ع) در پاسخ این پرسش که چرا نیت مؤمن از عمل او بهتر است؟ فرمودند: زیرا نیت چه بسا از ریا مصون است، برخلاف عمل که ممکن است ریایی باشد: «لَأَنَّ الْعَمَلَ رِيَاءً كَانَ رِيَاءً لِلْمَخْلُوقِينَ وَ النِّيَّةُ خَالِصَةٌ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ فَيُعْطَى عَزٌّ وَ جَلٌّ عَلَى النَّبِيِّ مَا لَا يُعْطَى عَلَى الْعَمَلِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۵۳). ارزش نیت به گونه‌ای است که کسی اگر اهتمام به عملی داشته باشد و انجام هم ندهد، برای او پاداش نوشته می‌شود (ر.ک؛ همان ج ۲: ۴۲۸). در روایت دیگر، نیت را بهتر از عمل، بلکه نفّس عمل دانسته شده است، سپس به این آیه استناد فرموده: (قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ) (اسراء/۸۴) که حضرت شاکله را به نیت تفسیر فرموده است (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶). علامه می‌نویسد: «شاکله نسبت به عمل، نظیر روح در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را مجسم نموده و معنویات او را نشان می‌دهد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۱۸۹).

مراتب اخلاص در عبادت

بی‌تردید ریا عملی زشت و حرام، و ریا کار نزد خدا بی‌مقدار و حقیر است (ماعون/۴-۶ و فاطر/۱۰). از نظر فقهی هم عبادت ریایی باطل است^۱. برخی از علمای اخلاق از مجاهد نقل کرده‌اند که مصداق آیه (الَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُهُمْ يُرَى) (فاطر/۱۰) ریاکاران می‌باشند (ر.ک؛ غزالی، بی‌تا، ج ۳: ۳۱۰). از این رو، اخلاص

کامل آن است که عمل از شرک خفی و بُت‌پرستی و شرک جلی پاک باشد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، الف، ج ۲: ۱۴۸). حال پرسش این است که آیا عبادت برای رهایی از دوزخ و طمع به بهشت با اخلاص در نیت سازگار است؟ برخی از دانشمندان بر این باورند که عبادت خالص، عبادتی است که عبد انگیزه‌ای جز خشنودی خدا در بندگی نداشته باشد؛ زیرا کسی که قلب او در عبادت مشغول به خدا و غیر خدا در ظاهر یا باطن است، مانند بُت‌پرستان یا توجه به غیر خدا در باطن دارد، مانند کسی که در عبادت خود اغراض دیگری غیر خدا مانند طمع بهشت یا خوف از آتش دارد، انگیزه نفسانی را در عبادت خدا شریک کرده است که با اخلاص در عبادت و مقام عبودیت ناسازگار است (ملاً صدرای شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۸۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۱۳۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰ق، ۴۶: و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۶).

از طرف دیگر، بسیاری از علمای اخلاق مانند فیض کاشانی، ملامهدی نراقی و فرزندش ملاً احمد نراقی و علامه شبیر بر این باورند که عبادت به انگیزه قرب به خدا و دریافت ثواب و رهایی از عقاب با اخلاص منافات ندارد. همان‌گونه که خداوند در مقام ستایش رستگاران می‌فرماید: «با خوف و طمع و رغبت و رهبت» خدا را می‌خوانند (ر.ک؛ أعراف/۵۶ و انبیا/۹۰). اکثر مفسران نیز طلب ثواب در عبادت را با اخلاص ناسازگار ندانسته‌اند. از طرفی اکثر مردم جز ثواب و عقاب چیز دیگری از خدا نمی‌دانند. بدین روی نمی‌توانند عبادت را صرفاً لِوَجْهِ اللَّهِ انجام دهند. علاوه بر این، اخلاص در عبادت آن است که اغراض دنیوی مانند مدح و ذمّ مردم در آن نباشد و اگر نیت بهشت و نجات از جهنّم منافی با اخلاص عبادت باشد، وعد و وعید خدا مُخِل به مقصود شمرده می‌شود، در حالی که این گونه نیست. در روایت است که امام علی (ع) عبادت‌کنندگان را سه دسته فرمود: عبادت عبید و تجّار و آزادگان، و بعد فرمود: بندگی برتر عبادت آزادگان است (نهج/البلاغه/ح ۲۳۷). این مطلب بیانگر آن است که عبادت به انگیزه ورود به بهشت و نجات از دوزخ هم صحیح است (فیض کاشانی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۶؛ نراقی، ۱۹۸۸م، ج ۳: ۱۱۷؛ همان، ۱۳۸۳: ۶۱۱ و ابن‌ولید، ۱۴۰۳ق: ۱۸۴).

از دیدگاه اندیشمندان، اخلاق بالاترین مرتبه اخلاص آن است که عبادت‌کننده قصد عوض دنیوی و آخروی نداشته باشد و بندگی‌اش خالص برای رضای خدا باشد. این مرتبه را اخلاص صدّیقین و اخلاص مطلق و عرفای بالله می‌گویند که به انگیزه لقای خدا عبادت می‌کنند و پایین‌ترین مرتبه آن قصد ثواب و رهایی از عقاب است که عبادت توده مردم است (غزالی، بی‌تا، ج ۴: ۴۰۲؛ فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۸: ۱۳۲؛ نراقی، ۱۳۸۳: ۶۱۰ و تهبانوی، ۱۹۹۶، ج ۱: ۱۲۲). سید عبدالله شبیر نیز برای اخلاص با توجه به نیت و انگیزه عبادت‌کنندگان مراتبی ذکر کرده که از جمله آنها، اخلاص در عبادت شاکرین است که به انگیزه شکر نعمت عبادت می‌کنند و عبادت مقربین که به انگیزه قرب به خدا بندگی می‌کنند و عبادت مستحیین که ترک گناه و انجام عبادت را به انگیزه حیا از خدا انجام می‌دهند و عبادت متلذّذین که به خاطر لذّت به عبادت به بندگی خدا عشق می‌ورزند و عبادت محبّین که به انگیزه انس به خدا بندگی می‌کنند و عبادت عارفین که خدا را شایسته عبادت می‌دانند. وی در پایان می‌نویسد: عبادت به انگیزه ثواب و رهایی از عقاب را اگر چه برخی مانند سید بن طاووس، فاضل مقداد، ابن‌ابی‌الجمهور إحسائی و شهید اول در ظاهر عبارت دروس و قواعد باطل می‌دانند؛ زیرا به اراده وجه الله منافات دارد، ولی بر اساس آیات و روایات این گونه عبادت صحیح است (ر.ک؛ شبیر، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۸). امام خمینی (ره) ضمن اینکه مرتبه بالای اخلاص را از مختصّات عرفاء و اولیاء خدا

دانسته و نبود آن را برای سایر مردم نقص ندانسته، در این باره می‌نویسد: «تنزیه از مطلق شرک و اخلاص از همه مراتب آن، اول مقام اولیاست، به گونه‌ای که اهل بیت فرموده‌اند عبادت ما عبادت احرار است که این مقام که برای آنها اول درجه ولایت است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱: ۵۷).

بی‌تردید هر اندازه معرفت انسان به خدا بیشتر باشد، اخلاص آنها هم بالاتر است. از این رو، می‌توان گفت عبادتی که به امید بهشت و رهایی از دوزخ ناسازگار است، مرتبه‌اعلای اخلاص است که مربوط به اولیای خداست، ولی عبادت توده مردم برای خشنودی خدا یا برای دریافت پاداش و نجات از کیفر است و این گونه عبادت هم منافات با بندگی خالصانه ندارد. امام علی (ع) در خطبه همام شوق به ثواب و خوف از عذاب را از صفات پرهیزکاران ذکر و آنها را ستایش فرموده است (نهج/البلاغه/خ ۱۹۳). علاوه بر آن در روایات نیز برای قضای حوایج دستور به انجام عبادات داده شده که همگی دلیل صحت این عبادات است (ر.ک؛ شبر، ۱۳۷۷: ۲۰).

از این رو، می‌توان گفت اخلاص به معنای منزّه بودن عمل از ریا و سمعه و دیگر اغراض دنیوی است که با انجام عمل برای خدا منافات دارد. از این رو، عبادت برای رسیدن به بهشت یا رهیدن از دوزخ عبادت صحیحی مربوط به توده مردم است که با توجه به شناختی که از خدا دارند، به جای لقای خدا از خداوند نجات از آتش یا ورود به بهشت می‌طلبند و همان گونه برخی از مفسرین گفته‌اند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۲۴). مقصود برخی که انجام عبادت برای رسیدن به بهشت یا دوری از جهنم را باطل می‌دانند، نسبت به همین مرتبه است؛ زیرا عبادت دارای ارکان «معبود»، «عابد» و «عمل عبادی» است. عابد اگر خود و معبود و عبادت را ببیند، از توحید ناب که مقام فنای محض است، بهره‌ای نبرده است و اگر عبادت و معبود را دید و خود را ندید، به مرحله فنا نرسیده، ولی اگر خود و عبادت خود را ندید و تنها معبود را مشاهده کرد، موحد ناب است.

اجتماع ایمان با شرک خفی

اگرچه شرک و ریا در تقابل ایمان به خدا و اخلاص است و ریا و سمعه با بندگی خالصانه خدا منافات دارد، ولی هر یک از ایمان و شرک مانند اعتقادات و صفات اخلاقی متناقض دیگر در انسان از آن رو که قابل شدت و ضعف است، بعض مراتب آنها با مراتب دیگر جمع می‌شوند. همان گونه که می‌فرماید: (مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ) (یوسف/۱۰۶) و اکثر آنهايي که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرک هستند. چند دیدگاه درباره معنای شرک در این آیه وجود دارد: ۱- برخی از مفسرین بر این باورند که مراد از آن مشرکین و بت پرستان مکه هستند (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۲۵۱ و مراغی، بی‌تا، ج ۱۳: ۴۹). ۲- برخی می‌گویند مراد از شرک، منافقین هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۴۱۰). ۳- شیخ طوسی احتمال داده که اهل کتاب باشد (طوسی، تبیان، ج ۶: ۲۰۳). ۴- ابن شهر آشوب بر این باور است که شرک در آیه، شرک در توحید و عدل خداست (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۱۰). ۵- عده‌ای می‌گویند ایمان صفت مدح و کفر صفت نکوهش است که این دو قابل جمع نمی‌باشند (ر.ک؛ نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۴۸)، ولی بسیاری دیگر از مفسران از جمله علامه طباطبائی بر این باورند که مشرک در آیه همان افراد با ایمانی هستند که در اعمال عبادی ریا می‌کنند. از این رو، مراد از شرک در آیه بعض مراتب شرک یعنی شرک خفی در طاعت است که در عین اعتقاد به خدا به جهت غفلت یا جهالت به جای توجه به خدا به اسباب مادی نظر دارد و به غیر خدا

در کارها توجه می‌کنند. مؤید این نظر چند مطلب است: اولاً اخلاص و ریا و شرک و ایمان اگرچه از معانی متقابل است، ولی مانند صفات و اعتقادات دیگر بعضی مراتب آن با بعض مراتب صفات دیگر قابل جمع است. ثانیاً: آیه شریفه مطلق است و خود آیه خودش را مقتید نمی‌کند. ثالثاً: مؤید آن روایتی است از امام باقر (ع) که درباره شرک در آیه می‌فرماید: «شرک طاعة و ليس شرک عبادة و المعاصی التي یرتکبون شرک طاعة أطاعوا فيها الشیطان فأشركوا بالله فی الطاعة لغیره و ليس یأشراک عبادة أن یعبدوا غیر الله» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۵۸ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۴۷۵). از این رو، شرک در آیه همان ریا است که در اصطلاح فنّ اخلاق به آن شرک خفی می‌گویند که با بعض مراتب ایمان جمع می‌شود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ۲۷۶). رابعاً: بعضی از مفسرین شرک در این آیه را به شرک در طاعت و نظر به اسباب در برابر شرک در عبادت تفسیر کرده‌اند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۴۷۵؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۵۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۲۱۲ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۵۲).

قلمرو اخلاص در قرآن

واژه اخلاص و مترادف‌های آن در قرآن در وصف موضوع خارجی (نحل/۶۶)، دین و اعتقاد، عبادات و طاعات (زمر/۲، ۱۱، ۱۴ و ۱۴۶؛ اعراف/۲۹؛ یونس/۲۲؛ عنکبوت/۶۵؛ لقمان/۳۲؛ غافر/۱۵ و بینه/۵)، افراد مؤمن (بقره/۱۳۹)، پیامبران و بندگان ویژه خدا (مریم/۵۱)، برخی از فضایل اخلاق ایمانی و اجتماعی است که به بررسی هر یک از آنها پرداخته می‌شود. در یک تقسیم کلی اخلاص یا در اعتقاد و یاد عبادات و تکالیف الهی است.

الف) اخلاص در اعتقاد

از مراتب اخلاص به لحاظ متعلق، اخلاص در اعتقاد و توحید در عبادت است. وظیفه بندگی و تسلیم در برابر خدا اقتضا دارد که همه بندگان، خدا را با نیت خالص پرستش کنند و در عبادت و طاعت به خدا شرک نورزند. می‌فرماید: (وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ) (بینه/۵) و به آنها دستوری داده نشده بود، جز اینکه خدا را پرستند، در حالی که دین خود را برای او خالص کنند. دین در لغت به معنای «جزاء» و «طاعت» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۱۶۹ و فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۷۳). برخی نیز دین را به معنای قانون الهی که جامع اصول و فروع برای خردمندان است، ذکر کرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۵۱). مؤلف مجمع‌البحرین در ذیل آیه ۱۴۶ سوره نساء می‌گوید: «دین عبارت از سنتی است که رعایت آن در زندگی سعادت‌آفرین است که معنای طاعت هم در آن نهفته است. از این رو، دین شامل اعتقاد و عبادت می‌شود. پس منظور از اخلاص دین اعتقاد به یگانگی خدا و توحید در عبادت در برابر شرک در عبادت است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۱۱۹؛ ج ۱۰: ۱۳۱ و ج ۱۶: ۲۳۷). برخی از مفسران اخلاص دین در این آیه را به اخلاص در عبادت در برابر شرک عبادی تفسیر کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۸۹؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۶۰۱؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۵۶؛ فیض کاشانی، ج ۵: ۳۵۵ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۳۹). همچنین برخی مفسران آیه (وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ) (بقره/۱۳۹) را که خطاب پیامبر اکرم (ص) به اهل کتاب است،

به اخلاص در ایمان و اطاعت در برابر شرک در عبادت و بُت‌پرستی تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ قرطبی، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ۴۴۶ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۹۴) و برخی نیز به اخلاص توحید در برابر شرک تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۸۷). البته از آن رو که آیه مطلق است، شامل اخلاص در اعتقاد و عبادت می‌شود. در آیه دیگر خداوند از شرک ورزیدن به خدا و عبادت با انگیزه‌ریا نهی فرموده است و می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند» (کهف/۱۱۰). برخی از مفسران شرک در این آیه را به شرک در عبادت و نهی از ریا در طاعت تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۷۵۰؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱: ۵۰۴). در تفسیر قمی هم از رسول اکرم (ص) ذیل این آیه روایت شده که کسی که نماز و روزه و زکات و حج و هر عملی را به انگیزه‌ریا انجام دهد، شرک است و خدا آن را نمی‌پذیرد (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۰۷). از امام صادق (ع) روایت شده است که شرک به عبادت در این آیه کسی است که قصدش از عبادت ستایش مردمان و ریا باشد (طوسی، تبیان، ج ۷: ۱۰۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۶۸۹؛ نراقی، ۱۳۸۳: ۵۹۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۲۶۹ و امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱: ۴۰).

ب) اخلاص در عبادت و طاعت

از دستورات خداوند به بندگان، انجام عبادات خالصانه برای خداست، چنان‌که می‌فرماید: (قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ) (سبأ/۴۷). «قیام» یعنی برخاستن است و در آیه منظور انجام عبادات و تکالیف الهی است و قید «لله» به این معنی است که قیام باید خالص برای خدا باشد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۵۹۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲: ۷۰ و طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۵۸).

در آیات دیگر دستور انجام بندگی خالصانه داده، می‌فرماید: (فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ) (زمر/۲). این آیه هفت بار در قرآن آمده است که چهار مرتبه آن خداوند از بندگان خواسته است که خدا را خالصانه بخوانند و او را با نیت خالص بپرستند (بینه/۵؛ اعراف/۲۹؛ غافر/۱۴ و ۶۵ و بینه/۵). سه بار هم کیفیت دعا و عبادت افراد گرفتار و مضطر را بیان کرده است که در حال سختی خدا را خالصانه در توحید می‌خوانند (یونس/۲۲؛ عنکبوت/۶۵ و لقمان/۳۲).

برخی از مفسرین بر این باورند که مراد از خلوص دین در این آیات خالص کردن اعتقاد و تبری از شرک و نفاق و تصفیه باطن است (ر.ک؛ طوسی، تبیان، ج ۳: ۳۶۹ و ج ۸: ۲۸۸). برخی نیز از قتاده نقل کرده‌اند که دین خالص شهادت به یگانگی خداست (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۱۱). بر اساس این تفسیر، این آیات به توحید در عبادت در برابر شرک در عبادت اشاره دارند، ولی برخی از مفسران نیز گفته‌اند که منظور از دین طاعت و عبادت است و منظور از اخلاص در دین اخلاص در طاعت و عبادت در برابر ریا و سمعه در عبادت است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۹۸ و ۴۳۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۱۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۱ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۲۳۲ و ج ۸: ۷۴). طبرسی این آیه را دستور به دعا و تضرع خالصانه تفسیر کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۳۵). البته این تفاسیر منافات با یکدیگر ندارند و معنای جامع آنها بندگی خدا با انگیزه

خالص است. همچنین مفسران عدم استکبار در بندگی در آیه (إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ) (اعراف/۲۰۶ و نجم/۶۲) را به اخلاص در عبادت مقابل شرک در عبادت تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۹۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۲۰۵ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۶۴). از جمله آیاتی که دلالت بر اخلاص در بندگی می‌کند، آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» است (فاتحه/۵) که مفسران آن را به اخلاص در عبادت و توحید عبادی و نفی شرک در بندگی تفسیر کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۸۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۴ و جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۴۰). علاوه بر این باره می‌نویسد: «عبادتی کامل است که بنده در عبادت به غیر خدا مشغول نباشد و دلش متعلق به چیزی حتی به بهشت و ترس از دوزخ نباشد؛ زیرا همه اینها با مقام عبودیت منافات دارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۷) که همان طور که گذشت، این مرتبه اشاره به کمال اخلاص در عبادت است.

اخلاص به لحاظ متعلق عبادت

۱- اخلاص در نماز

خداوند به پیامبر اکرم (ص) دستور داده است که تمام عبادات و نمازش خالص برای خدا باشد: (قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (انعام/۱۶۲). قید «لله» بیانگر دو مطلب است؛ یکی برای خدا بودن و دیگری خالص بودن است. پیامبر اکرم (ص) بر اساس این آیه وظیفه دارد که تمام شؤون زندگی که شامل نماز و عبادات و اعمال دیگری که به حیات و ممات وی مربوط می‌شود، با نیت خالص برای خدا انجام دهد (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۷۷). علاوه بر این عقیده است که از کلمه (لا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ) (انعام/۱۶۳) که بعد از آن آمده، استفاده می‌شود که پیامبر (ص) در این آیه مأمور است که اخلاص در عبادت را در خود با عقد قلبی انشاء و ایجاد کند، نه اینکه صرفاً آن را تبلیغ کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۳۹۴). قرآن ویژگی منافقین را ریا در نماز ذکر فرموده است: (إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالًا يُرَاؤُنَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا) (نساء/۱۴۲). حالت کسالت و بی‌میلی در نماز و نشان دادن به مردم به جای توجه، به سوی نشانه تردید در اعتقاد به خدا است که مانع عبادت خالصانه می‌شود (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۵۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۱۱۷ و مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵: ۲۰۸). برخی مفسرین ذکر قلیل در آیه را به عبادت و ذکر ریایی منافق تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۰۴). برخی دیگر گفته‌اند که ذکر منافق قلیل است؛ زیرا در حضور مردم تظاهر به عبادت می‌کنند و در دل باور ندارند و حضور آنها از غیبت در میان مردم کمتر است (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۲۶۴؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۳۲۹). خداوند وعده عذاب به نمازگذار ریاکار داده است و می‌فرماید: (الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ) (ماعون/۶)؛ یعنی عبادت را برای خدا انجام نمی‌دهند، بلکه به انگیزه نشان دادن به مردم انجام می‌دهند (ر.ک؛ ابن عربی، بی‌تا، ج ۴: ۱۹۸۳ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۶۸).

۲- اخلاص در خمس

خداوند پیامبر و مردم را به پرداخت خمس و حقوق مالی را به مستحقان با نیت خالص و پرهیز از ریا و سُمعه مأمور کرده، می‌فرماید: «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ: پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه‌مندگان را ادا کن. این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند، بهتر است» (روم/۳۸). منظور از «حق» در آیه خمس یا هر حقوق مالی مانند زکات است که با نیت وجه الله یعنی خالص برای خدا و رسیدن به رستگاری انجام می‌دهند (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۵۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۴۸۱؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۲۳۶ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۸۵).

۳- اخلاص در مناسک حج و عمره

خداوند درباره چگونگی انجام این عبادت می‌فرماید: (وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ) (بقره/۱۹۶): «تمام اجزا و اعمال و شرایط حج و عمره را با نیت خالص برای خدا انجام دهید (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۳۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۳۱ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۷۶).

۴- اخلاص در زکات

درباره اخلاص در زکات، خداوند ضمن نکوهش ربا به کسانی که زکات مال خود را با نیت خالص برای خدا انجام می‌دهند، این گونه توصیف فرموده است: (تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ) (روم/۳۹). این آیه بیانگر آن است که عمل و انفاقی نزد خدا قبول می‌شود که به انگیزه ابتغاء وجه رب یعنی خالص برای خدا باشد (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۹۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۵۵؛ آلوسی، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۶ و فیض کاشانی ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۱۳۴). برخی مفسرین زکات در آیه را مطلق صدقه و انفاق مالی تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۴۱۱ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۸۵).

۵- اخلاص در جهاد

خداوند می‌فرماید: (وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا) (عنکبوت/۶۹). مفسران جهاد در این آیه را شامل جهاد در راه خدا با نفس امّاره و مبارزه با مشرکین تفسیر کرده‌اند و «جهاد فینا» را به معنای «فِي حَقِّنا وَ مِنْ أَجْلِنا وَ لِوَجْهِنا خالصاً» و مجاهدت خالص بدون ریا برای خشنودی خدا تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۲۶ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۴۶۵).

ج) اخلاص در فضایل اخلاق ایمانی و اجتماعی

برخی از فضایل اخلاقی و اعمال عبادی و اجتماعی مانند انفاق، اطعام، نجوی، دعا، صبر، گواهی بیعت، هجرت است که خدای تعالی به صدق نیت و اخلاص در آن تصریح کرده است.

۱- اخلاص در انفاق

خداوند متعال می‌فرماید: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) (بقره/۲۶۵)؛ نیز می‌فرماید: (وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ) (بقره/۲۷۲). ابتغای مرضات الله و ابتغای وجه الله، همان گونه که گذشت، به معنای سعی زیاد برای جلب خشنودی خداست که بیانگر انگیزه انفاق کنندگان برای جلب خرسندی خدا با نیت خالص است (سیوطی، تفسیر جلالین، ج ۱: ۴۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۱۳ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۹۱). در آیه دیگر با تشبیه ابطال صدقه با منت و اذیت به انفاق ریائی، ریشه ریاکاری را بی‌ایمانی به خدا و رسول دانسته، می‌فرماید: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ: بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کند» (بقره/۲۶۴). این آیه دلالت دارد بر اینکه صدقه مؤمن در ابتدا صحیح انجام شده، ولی آزار و منت بعد از صدقه، اجر آن را از بین می‌برد، در حالی که عمل ریاکار از ابتدا باطل است؛ زیرا مستلزم نداشتن ایمان به خدا و روز جزا در همان عمل از آغاز است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۱۴ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۸۹).

۲- اخلاص در اطعام

از موارد انفاق، اطعام است. خدای تعالی اطعام ابرار را به وجه‌الله توصیف می‌کند و می‌فرماید: (إِنَّمَا تُطْعَمُكُم لَوَجْهِ اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا) (انسان/۸). وجه الله انجام عمل خالص برای جلب رضا و طلب ثواب و رحمت الهی است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۷ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۲۸). این آیه درباره اطعام خالصانه اهل بیت (ع) نازل شده است که سه مرتبه غذای خود را با اینکه به آن علاقه و نیاز داشتند، برای خشنودی خدا و با نیت خالص به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» بخشیدند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۲۹۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۶۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۵۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۷ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۲۷). غایت و انگیزه اعمال، قرار دادن وجه‌الله، در موارد دیگر آمده؛ از جمله درباره سفارش به پیامبر (ص) نسبت به برخی از اصحاب آن حضرت می‌فرماید: (وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ) (کهف/۲۸). برخی از مفسرین بر این عقیده‌اند که آنها اصحاب صفه بودند که پیامبر اسلام (ص) را در سختی‌ها و جنگ یاری می‌کردند و اگرچه از نظر مالی فقیر بودند، ولی با نیت خالص اسلام را یاری کردند و از جمله آنها سلمان و ابوذر بودند که خداوند انگیزه حمایت آنها از حضرت رسول (ص) را (يُرِيدُونَ وَجْهَهُ) (انعام/۵۲)، یعنی خالص برای خشنودی

خدا ذکر فرموده است (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۰۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۶۳۰ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۲۳).

۳- اخلاص در نجوا

نجوا به معنای راز و گفت‌وگوی پنهانی است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۷۹۲). خداوند نجوا را برای اصلاح بین مردم و امر به صدقه و هر کار پسندیده، خیر دانسته است و وعده پاداش برای انجام آن داده است: (وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (نساء/۱۱۴). خداوند وعده پاداش برای کسانی داده که نجوا در این امور را برای خشنودی خدا با نیت خالص انجام می‌دهند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۰۰؛ آلوسی، بی‌تا، ج ۳: ۱۴۰ و طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۱۷۷).

۴- اخلاص در توبه

خدای تعالی درباره توبه‌ای که زمینه‌ساز آمرزش است، می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا) (تحریم/۸). «نصح» به معنای «خلوص» است. دانشمندان درباره ارتباط اخلاص و نصح می‌نویسند: «نصح به معنای خالص بودن است و به غسل خالص، غسل نصح می‌گویند و توبه نصح توبه‌ای است که از ریا و سُمعه خالص باشد (ر.ک؛ مظهری، ج ۹: ۳۴۶؛ غزالی، بی‌تا، ج ۴: ۶ و امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱: ۲۸۲). برخی مفسران ضمن بیان اقوال مختلف درباره معنای نصح، توبه نصح را به معنای بازگشت خالصانه به خدا تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۷۸ و شبر، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۲۴). علامه می‌نویسد: «کلمه «نصح» از ماده نصح به معنای جستجو از بهترین عمل که بیشترین سود را برای صاحب خود داشته باشد. معنای دیگر آن اخلاص است. از این حیث که توبه نصح توبه‌ای که صاحب خود را از برگشتن به طرف گناه باز دارد یا توبه‌ای که بنده را برای رجوع از گناه خالص سازد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۳۳۵).

۵- اخلاص در دعا

قرآن درباره چگونه دعا کردن می‌فرماید که خدا را با نیت و انگیزه خالص بخوانید: (فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ) (غافر/۱۴) و از شرک‌ورزی به خدا پرهیز کنید (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷: ۱۲۱).

۶- اخلاص در صبر

از ویژگی خردمندان، بردباری برای خداست که با صفت ابتغاء وجه الله آمده است: (وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ) (رعد/۲۲). نیت و انگیزه آنها از این شکیبایی، طلب ثواب است (طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۲۴۵؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۳: ۹۴ و ابن‌کثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۱۵۴).

۷- اخلاص در شهادت

خدای تعالی درباره گواهی و شهادت برای مؤمنین می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ) (نساء/۱۳۵). مفسرین «شهداء لله» را به ادای شهادت با نیت خالص برای خشنودی خدا تفسیر کرده‌اند: «تَقِيْمُونَ شَهَادَاتِكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۹۰ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۱۰).

۸- اخلاص در بیعت

برخی مفسران آیه (فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ) (فتح/۱۸) که در وصف بیعت‌کنندگان در بیعت رضوان نازل شده، به علم خدا به صدق اخلاص شرکت‌کنندگان در بیعت شجره تفسیر کرده‌اند؛ یعنی «فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ مِنَ الْإِخْلَاصِ وَ صَدَقَ الضَّمَائِرُ فِيمَا بَايعُوا عَلَيْهِ» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۳۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۳۸ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۲۸۵).

۹- اخلاص در هجرت

خدای تعالی هجرت برخی از مسلمانان مکه را به مدینه با عنوان (هَاجِرُوا فِي اللَّهِ) (نحل/۴۱)؛ یعنی «خالص برای خدا» نام برده که انگیزه مهاجرت آنها خشنودی خدا بوده است (طوسی، تبیان، ج ۳: ۱۳۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۴۹۱ و مراغی، بی‌تا، ج ۱۴: ۸۱).

(د) اخلاص پیامبران

از موارد اخلاص در قرآن اخلاص پیامبران در تبلیغ رسالت و هدایت مردم است، خداوند بارها بر اخلاص و صفای قلب انبیای الهی تأکید فرموده که هرگز در برابر رسالت و هدایت مردم درخواست مُزد و پاداش نمی‌کردند و صرفاً برای رضایت خدا و با نیت خالص تبلیغ می‌کردند: (فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ) (یونس/۷۲)؛ یعنی: (ما نصحتکم إلا لوجه الله، لا لغرض من أغراض الدنيا) و در مقام معرفی آنها فرموده از کسانی تبعیت کنید که از شما در ازای تبلیغ درخواست مزد نمی‌کنند (یس/۲۱). از جمله آنها حضرت نوح (ع) است (یونس/۷۲، هود/۲۹ و شعرا/۱۰۹). همان‌گونه که مفسران نیز به آن تصریح کرده‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۲۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۶۰ و مراغی، بی‌تا، ج ۱۱: ۱۳۸). حضرت هود (ع) نیز اجر رسالت را فقط از خدا درخواست کرده است (هود/۵۱ و شعرا/۱۲۷). همین بیان درباره پیامبران دیگر مانند حضرت صالح (ع) (شعرا/۱۴۵)، لوط (ع) (شعرا/۱۶۱) و شعیب (شعرا/۱۸) نیز آمده است. رسول اکرم (ص) نیز به همین اخلاص در تبلیغ دین مأمور شده است (فرقان/۵۷ و سبأ/۴۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهشی که درباره مفهوم اخلاص و گستره آن در وحی الهی با توجه به منابع معتبر تفسیری فریقین و لغت‌شناسان و در مواردی دیدگاه دانشمندان اخلاق انجام گرفت، روشن شد که اخلاص به معنای پیراستگی از آمیزه‌ها و انگیزه‌های دنیوی است و ضد آن ریا و سُمعه است. اخلاص در عبادت در رأس دعوت پیامبران خداوند بوده است. این واژه گاهی در برابر شرک عبادی و بیزاری از شرک و بُت‌پرستی و در آیاتی مقابل ریا و سُمعه آمده است. از ریا در روایات به شرک اصغر و خفی تعبیر شده است. ازدیدگاه وحی، معیار ارزشمندی و سعادت‌آفرینی عبادت، صدق نیت و خالص بودن آن برای خداست، به گونه‌ای که اگر عبادتی به انگیزه ریا و سُمعه باشد، پذیرفته نمی‌شود. برخی مفسران بر این عقیده‌اند که عبادت به انگیزه بهشت و رهایی از دوزخ از آن رو که شائبه نفسانی دارد، با اخلاص در بندگی سازگار نیست، ولی اکثر مفسران و عالمان اخلاق بر این باورند که آنچه با اخلاص ناسازگار است، ریا و سُمعه و اغراض دنیوی در عبادت است و از آن رو که اخلاص مانند هر صفت اخلاقی و اعتقادی دارای مراتب است و معرفت انسان‌ها هم به خدا در یک درجه نیست، بندگی به طمع بهشت هم صحیح است. مرتبه بالای اخلاص در عبادت ویژه انبیای الهی و ائمه طاهرین و عرفای ربّانی است که از آن در کُتب اخلاقی به اخلاص مطلق و اخلاق صدیقین یاد شده است و مرتبه پایین آن برای متوسطین و توده مردم است که به انگیزه بهشت و نجات از دوزخ، خدا را عبادت می‌کنند. واژه اخلاص و مشتقات و مترادف‌های آن در قرآن در وصف موضوع خارجی مانند شیر خالص، دین و اعتقاد حق، عبادات و طاعات و افراد مؤمن و پیامبران و بندگان ویژه، فضایل اخلاق ایمانی و اجتماعی آمده است. اگرچه در قرآن تمام عبادات و اعمال عبادی و شؤون زندگی انسان باید به انگیزه خشنودی خداوند باشد و پیامبران خدا هم انسان را به بندگی خالصانه در تمام شؤون حیات دعوت کرده‌اند، ولی برخی اعمال در قرآن تأکید و تصریح بیشتری به اخلاص آنها شده است؛ از جمله در عباداتی مانند نماز، زکات، مناسک حج و عمره، خُمس و جهاد در راه خدا که به طور گسترده بندگان را به عبادت خالصانه دعوت کرده است. همچنین درباره انفاق و اطعام و هر نوع هزینه‌های مالی شرط پذیرش آن را ابتغاء وجه الله و تنزه آن از ریا و انگیزه‌های دنیوی ذکر کرده است. نجوا و سخن پنهانی در بین مردم اگرچه نکوهیده است، ولی به انگیزه اصلاح بین مردم و در صدقه و هر کار پسندیده که با نیت خالص برای خوشنودی خدا باشد، ستایش شده است و صبر و توبه و بازگشت به خدا را در صورتی سبب آمرزش و سعادت شمرده است که بدون ریا و خالص برای خدا باشد. قرآن ضمن دعوت به عبادت و دعای خالص، کسانی که در سختی و اضطراب خدا را می‌خوانند و بعد از نجات از سختی‌ها به خدا شرک می‌ورزند، نکوهش کرده است. خدای تعالی از پیامبران الهی به عنوان بندگان برگزیده با واژه «مُخْلِص» به اسم مفعول یاد فرموده است که شیطان هم از نفوذ در اندیشه و عبادت آنها ناامید شده است. از این روی، عبادات و تمام کارهای خود را با نیت خالص به انگیزه قرب الهی انجام داده و برای تبلیغ رسالت و پیامبری از مردم درخواست پاداش نمی‌کردند. همچنین از برخی اصحاب رسول اکرم (ص) که با نیت خالص و به انگیزه قرب الهی در بیعت و هجرت با وی همراهی کردند، ستایش شده است.

پی‌نوشت

۱- در کُتُب فقه هم آمده است: از شرایط صحت عبادت اخلاص است، به گونه‌ای که اگر به آن ریا اضافه شود، باطل می‌شود، اعم از اینکه ریا اصلی یا تبعی باشد و تفاوتی ندارد به اینکه ریا در اصل یا در کیفیت یا اجزاء عمل باشد و اعم از اینکه از آن توبه کند یا توبه نکند. پس ریا عمل عبادی را حبط و باطل می‌کند، همان گونه که در حدیث قدسی آمده است: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ مِنْ أَشْرَكٍ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۹۵). البته اگر صرف خطورات قلبی باشد، و داعی بر عمل نباشد، مبطل نیست (ر.ک: طباطبائی یزدی، بی تا: ۷۵).

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- آلوسی، سید محمود. (بی تا). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق علی عبدالباری عطی. چاپ اول. بیروت دارالکُتُب العلمیه.
- ابن العربی، محمد بن عبدالله. (بی تا). *احکام القرآن*. بی جا.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ ق.). *متشابه القرآن و مختلفه*. مقدمه علامه شهرستانی. چاپ اول. قم: انتشارات بیدار.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق محمدحسین شمس‌الدین. چاپ اول. بیروت: دارالکُتُب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دارصادر. ابن ولید، علی. (۱۴۰۳ ق.). *تاج العقائد و معدن الفوائد*. تحقیق دکتر عارف تامر. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه عزالدین.
- انصاری، عبدالله بن محمد. (۱۳۶۱). *منازل السائرین*. ترجمه دکتر روان فرهادی. تهران: انتشارات مولی.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. تهران: بنیاد بعثت.
- تهانوی، محمدعلی. (۱۹۹۶ م.). *کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*. چاپ اول. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). *تسنیم*. چاپ اول. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ . (۱۳۸۵). *مراحل اخلاق در قرآن*. چاپ ششم. قم: مرکز نشر اسراء.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح. (۱۴۰۴ ق.). *آیات الأحکام*. تحقیق میرزا ولی الله اشراقی سرابی. چاپ اول. تهران: انتشارات نوید.

- رازی، ابوالفتح حسین بن علی. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. چاپ اول. دمشق - بیروت: دارالعلم - الدار الشامیه.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی. (۱۴۱۸ق.). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. چاپ دوم. بیروت - دمشق: دارالفکر المعاصر.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چاپ سوم. بی جا: دارالکتاب العربی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- _____. (۱۴۱۶ق.). *تفسیر الجلالین*. چاپ اول. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- شاذلی، سید بن قطب ابن ابراهیم. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. چاپ هفدهم. قاهره: دارالشروق.
- شیر، سید عبدالله. (۱۳۷۷). *اخلاق*. ترجمه محمد رضا جباران. چاپ دوم. قم: انتشارات هجرت.
- _____. (۱۴۱۲ق.). *تفسیر القرآن الکریم*. چاپ اول. بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی. چاپ اول. تهران: دفتر نشر داد.
- صدرای شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. تحقیق محمد خواجهوی. چاپ دوم. قم: انتشارات بیدار.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی یزدی، نام. (بی تا). *عروه الوثقی*. تعلیقه امام خمینی (ره). قم: مکتبه الوجدانی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق و مقدمه محمدجواد بلاغی. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- _____. (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تحقیق سید احمد حسینی. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد. (بی تا). *اوصاف الأشراف*. بی جا.

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. چاپ چهارم. قم: انتشارات اسماعیلیان.

غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۶۸). *کیمیای سعادت*. ۲ جلدی. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

_____ . (بی‌تا). *احیاء علوم الدین*. بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه.

_____ . (بی‌تا). *الأربعین فی أصول الدین*. بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق.). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: انتشارات هجرت.

فیض کاشانی، محسن. (۱۴۰۹ق.). *الحقایق فی محاسن الاخلاق*. بیروت: دارالکتب الإسلامی.

فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر الصافی*. تحقیق حسین اعلمی. چاپ دوم. تهران: انتشارات الصدر.

_____ . (۱۴۱۷ق.). *المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*. تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری.

چاپ چهارم. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.

قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ق.). *محاسن التأویل*. تحقیق محمد باسل عیون‌السود. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. تحقیق سید طیب موسوی جزایری. چاپ چهارم. قم: دارالکتب.

کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۴۱۰ق.). *تفسیر المعین*. تحقیق حسین درگاهی. چاپ اول. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مازندرانی، مولی صالح. (بی‌تا). *شرح اصول کافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق.). الف. *بحار الأنوار*. بیروت - لبنان: مؤسسه الوفاء.

_____ . (۱۴۰۴ق.). ب. *مرآة العقول*. به تحقیق سید هاشم رسولی. چاپ دوم. تهران: دارالکتب

الإسلامیه.

محدث نوری، نام. (۱۴۰۸ق.). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

مراغی، احمد بن مصطفی. (بی‌تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مظهری، محمد ثناءالله. (۱۴۱۲ق.). *التفسیر المظهری*. غلام نبی تونسلی. پاکستان: مکتبه رشدیّه.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق.). *تفسیر الکاشف*. چاپ اول. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

موسوی خمینی (ره)، امام روح‌الله. (۱۳۷۱). *شرح چهل حدیث*. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).

- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۸۳). *معراج السعاده*. چاپ یازدهم. قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- نراقی، محمد مهدی. (۱۹۸۸ م.). *جامع السعادات*. قدم له محمدرضا مظفر. چاپ سوم. بیروت: منشورات الأعلمی للمطبوعات.
- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن. (۱۴۱۵ ق.). *إيجاز البیان عن معانی القرآن*. دکتر حنیف بن حسن. چاپ اول. بیروت: دارالغرب الإسلامی.